

تأثیر چارچوب بر انتخاب: تعامل بین درگیری هیجانی و خطرپذیری

فاطمه تقی یاره^۱

یوسف کریمی^۲

تاریخ وصول: ۹۰/۱۱/۳

تاریخ پذیرش: ۹۰/۷/۲۶

چکیده

این مقاله شرایط پدیدآیی اثر چارچوب را بررسی می‌کند. این سازه در مطالعات مختلف پدیده باثباتی نبوده و لذا پژوهشگران از دهه ۸۰ میلادی در پس شناسایی علل تغییرات آن بوده‌اند. پژوهش حاضر با هدف تشخیص متغیرهای مؤثر بر سازه مورد بحث، و همچنین حل و فصل تناقضات موجود پیرامون نحوه تأثیرات این متغیرها به انجام رسید. ۵۵۱ نفر از دانشجویان دختر و پسر دانشکده فنی دانشگاه تهران و دانشکده‌های مختلف دانشگاه علوم پزشکی تهران، در دو مرحله، و در ۸ گروه پژوهشی، متن تجدید نظر شده مرگ، زندگی و اطمینان کاهنمن و تورسکی را با همان اندازه گروه و ابهام موقعیت متن اصلی پاسخ دادند. نتایج نشان می‌دهد که اثر چارچوب ارتباط مستقیمی با «اهمیت سرنوشت قربانی برای آزمودنی» دارد. به عبارت دیگر هنگامی که در آزمودنی‌ها «درگیری هیجانی» نسبت به «سرنوشت مخاطبین در معرض خطر» ایجاد می‌شود اثر چارچوب بارز می‌گردد. همچنین استفاده از سؤالات باز پاسخ مشخص

۱- دکتری روان‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی

۲- استاد دانشگاه علامه طباطبائی

می‌کند تمایز ملیتی نه تنها بر میزان درگیری هیجانی آزمودنی مؤثر است، بلکه ابعاد عاطفی متمایزی را برای پاسخ دهندگان برجسته می‌سازد؛ ابعادی که علیرغم اهمیت، حضورشان در مطالعات گذشته ناشناخته بوده است.

واژگان کلیدی: اثر چارچوب^۱، درگیری هیجانی^۲، اهمیت به سرنوشت قربانی، اندازه گروه، و ابهام^۳ موقعیت.

مقدمه

رفتار و گرایش اجتماعی انسان نه تنها برخاسته از واقعیت، بلکه وابسته به فرایندهای زیرساز گوناگونی است که ذهن و واقعیت را به یکدیگر پیوند می‌زنند. قواعد حاکم بر شناخت اجتماعی^۴ چنین نشان می‌دهد که ما انسان‌ها از نظر شناختی ممسک^۵ هستیم، یعنی همان گونه که در موارد جسمانی تمایل به امساک در مصرف انرژی داریم، در تلاش‌های روان‌شناختی خویش نیز که تجلی آن را می‌توان در گستره‌ی وسیعی از رفتارهای اجتماعی (حوزه‌ی سیاست، اقتصاد، بهداشت ...) مشاهده کرد، میانبر^۶ می‌زنیم. به عبارت دیگر به رغم بهره‌مندی از ظرفیت پردازش منطقی، تمایلی به صرف نیروی ذهنی بیش از حد اقل نداشته و تحت برخی شرایط، از راهبردهایی جهت حل مسائل بهره‌می‌گیریم که چندان عقلانی نبوده و گاه به سوگیری‌های جدی می‌انجامند (ارونسون^۷، ۱۹۹۸، ترجمه شکرکن، ۱۳۸۲؛ ایروانی و باقریان، ۱۳۸۳؛ بارون^۸ و بیرن^۹، ۱۹۹۴؛ کاندا^{۱۰}، ۱۹۹۱، ترجمه کاویانی، ۱۳۸۴). یکی از عوامل ایجادکننده‌ی این گونه شرایط، اثر (های) چارچوب می‌باشد.

1. framing effect
2. emotional involvement
3. ambiguity
4. social cognition
5. miser
6. shortcut
7. Aronson, E.
8. Baron, R. A.
9. Byrn, B.
10. Kunda, Z.

چندین دهه از شناسایی اجمالی این پدیده می‌گذرد که افراد در موقعیت‌های تصمیم‌گیری، به طرق متفاوتی نسبت به «بدست آوردن^۱» یا منفعت و «از دست دادن^۲» یا ضرر پاسخ می‌دهند. به عبارت دیگر، انسان‌ها در مواجهه با منفعت، مخاطره‌گریز^۳، و در مواجهه با ضرر، مخاطره‌پذیر^۴ می‌باشند. آزمودنی‌هایی که در موقعیت‌هایی احتمالاتی توأم با منفعت قرار دارند، گزینه‌ی کم مخاطره را برمی‌گزینند؛ در حالی که آنهایی که با موقعیت توأم با زیان مواجه‌اند، گزینه‌ی پر مخاطره را ترجیح می‌دهند. این تقابل در ترجیحات در مواقعی که پیامدها از منفعت به زیان در حال تغییراند، نخستین بار توسط مارکوویتز^۵ در سال ۱۹۵۲ و تحت عنوان اثرهای انعکاسی^۶ شناسایی شد (بلوم فیلد^۷ و همکاران، ۲۰۰۶). در سال ۱۹۸۱ تورسکی و کاهنمن، پدیده‌ی دیگری را که شامل پاسخ‌های متفاوت به منفعت و زیان می‌شد، به بحث گذاردند: اثر (های) چارچوب. اثر چارچوب ناظر بر این پدیده است که نحوه‌ی عبارت پردازی سؤال، و یا به طور کلی شیوه‌ی ارائه‌ی موضوع و تمرکز بر سود یا زیان، تأثیر نظام‌مندی بر پاسخ آدمی نسبت به آن پرسش و یا صورت‌بندی تفسیر وی از آن مسئله دارد. به عبارت دیگر، پیامدهای در عمل یکسان، اما با تمرکز متفاوت بر سود و زیان به طرق متفاوتی مورد تعبیر و تفسیر واقع می‌شوند. کاهنمن و تورسکی جهت مطالعه‌ی این پدیده سناریویی تحت عنوان بیماری مهلک آسیایی را تدوین کردند:

فرض کنید که ایالات متحده در حال تدارک مقابله با یک بیماری مهلک آسیایی است که طبق تخمین کارشناسان، ۶۰۰ نفر را خواهد کشت. ۲ برنامه‌ی مقابله با این بیماری تنظیم شده است. فرض کنید که برآوردهای دقیق علمی از پیامدهای واقعه به قرار زیر اند:

- اگر برنامه الف انتخاب شود، ۲۰۰ نفر نجات خواهند یافت.

-
1. gain
 2. loss
 3. risk- averse
 4. risk- seeker
 5. Markowitz, H.
 6. reflection effects
 7. Bloomfield, A. N.

- اگر برنامه ب انتخاب شود، به احتمال $1/3$ ، همه 600 نفر نجات می‌یابند و به احتمال $2/3$ هیچکس نجات نخواهد یافت.

- اگر برنامه الف انتخاب شود، 400 نفر خواهند مرد.

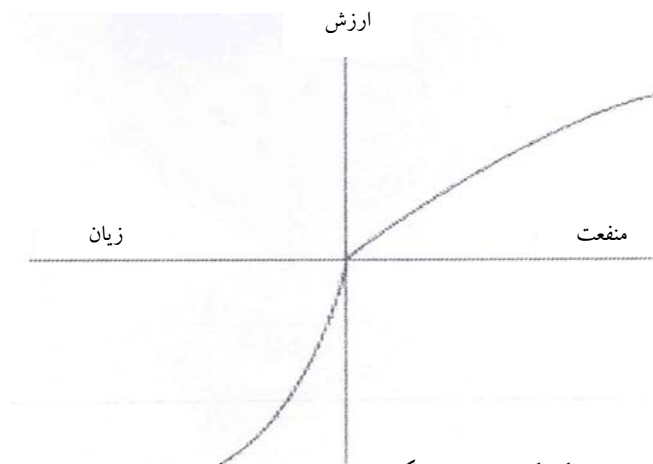
- اگر برنامه ب انتخاب شود، به احتمال $1/3$ هیچکس نمی‌میرد و به احتمال $2/3$ همه خواهند مرد.

ارزش مورد انتظار در هر چهار برنامه (الف و ب در دو چارچوب مثبت و منفی) یکسان است؛ 400 نفر کشته و 200 نفر نجات خواهند یافت. اما تصمیم گیرندگان غالباً در موقعیت مثبت، پاسخ الف، و در موقعیت منفی، پاسخ ب را بر می‌گزینند. مثلاً در پژوهش کاهنمن و تورسکی آزمودنی‌های چارچوب مثبت، 72 درصد گزینه اطمینان برانگیز، و آزمودنی‌های چارچوب منفی، 78 درصد گزینه ی مخاطره پذیر را ترجیح دادند. نظریه انتظاری^۱ (PT) تدوین شده توسط کاهنمن و تورسکی، 2 عامل را در شکل‌گیری اثر چارچوب دخیل می‌داند:

شکل کارکرد ارزشی^۲ از آنچه در معرض مخاطره قرار دارد و نقطه ی ارجاع^۳ شخص تصمیم گیرنده. PT یک کارکرد ارزشی S شکل را توصیف می‌کند که نمایاننده ی ارزش ذهنی سطوح ارزش عینی در محدوده ی «منفعت‌ها» و «زیان‌ها» است. کارکرد ارزشی نشان دهنده ی چگونگی تعامل متفاوت فرد با اینگونه موقعیت‌ها می‌باشد. نخست اینکه، شکل کنش فرد در مواجهه با منفعت‌ها، یک منحنی مقعر، و در مقابل زیان‌ها، یک منحنی محدب می‌سازد. این وضعیت حاکی از این است که افراد در مقابل منفعت‌ها، مخاطره‌گریز، و در مقابل زیان‌ها، مخاطره‌پذیراند. به تعبیر روشن‌تر، افزایشی در ارزش عینی یک منفعت، افزایشی «به همان میزان» در ارزش ذهنی یک پیامد به همراه ندارد؛ و افزایشی در سطح عینی یک زیان، به کاهشی «به همان میزان» در ارزش ذهنی تداعی شده با آن ضرر نمی‌انجامد. دوم اینکه، شیب

1. prospectation theory
2. value function
3. reference point

منحنی کارکرد زیان‌ها نسبت به شیب منحنی کنش منفعت‌ها تندتر است. نکته‌ی اخیر به پرورش این اندیشه می‌انجامد که میزان درد و ناراحتی ناشی از یک ضرر، بیش از شادمانی منتج از همان میزان منفعت است. نقطه‌ی ارجاع تعیین می‌کند پیامدها چگونه رمزگردانی شوند: پیامدهای بالای نقطه‌ی ارجاع، منفعت، و موارد زیر آن، زیان محسوب می‌گردند. از آنجا که در مثال کلاسیک (اثر چارچوب در بیماری آسیایی)، چارچوب مثبت به موقعیت افراد نجات یافته اطلاق می‌گردد، پس نقطه‌ی ارجاع این سناریو، صفر نفر فرد نجات یافته است، و هر دو گزینه‌ی مرتبط با این موقعیت (الف و ب)، یک منفعت را ارائه می‌کنند؛ در چارچوب منفی که ناظر بر افراد کشته شده است، و نقطه‌ی ارجاع، صفر نفر کشته شده را لحاظ می‌کند، هر دو گزینه به عنوان ضرر تلقی می‌گردند. بنابراین، در چارچوب منفی، گزینه‌ی مخاطره‌پذیر، و در چارچوب مثبت، گزینه‌ی اطمینان‌برانگیز ترجیح داده می‌شوند.



نمودار ۱. کارکرد ارزشی، برگرفته از بلوم فیلد و همکاران، ۲۰۰۶، ص ۱۲۶

از زمان معرفی اثر چارچوب در سال ۱۹۸۱، مطالعات متعددی برای درک بهتر این پدیده انجام شد که نتایج حاصل از آنها گاهی در نگاه اول متناقض نمایانده است: صرفنظر از تعدادی اندک از مطالعات که به اثر چارچوبی به بزرگی اثر ثبت شده در پژوهش کاهنمن و تورسکی

دست یافتند، در بسیاری از مطالعات، اندازه‌ی این اثر معتدل، در برخی صفر، و در برخی دیگر جهت آن وارونه گزارش شده است. لذا پژوهشگران در پی تبیین آن برآمده‌اند. لوین^۱ و چپمن^۲ (۱۹۹۰، به نقل از منبع قبل) چنین یافتند که هنگامی که قربانیان تصویر شده در سناریو به عنوان مبتلایان به ایدز همجنس‌گرا/ دگرجنس‌گرا و یا معتادان به مواد معرفی می‌شوند، اثر چارچوب در تصمیم‌گیری آزمودنی‌ها مشاهده نمی‌گردد. اما وقتی سناریو در مورد مبتلایان به هموفیلی طراحی می‌شود، پدیده‌ی مورد نظر بروز می‌یابد. لوین و چپمن این یافته را چنین تفسیر نمودند که آزمودنی‌ها در مواجهه با «گروه‌های ارزش‌زدایی شده»^۳ نظیر بیماران مبتلا به ایدز که در مورد بیماری خویش مقصر شناخته می‌شوند «کارکرد ارزشی نسبتاً خطی» نشان می‌دهند. بنابراین، کنش ارزشی خطی آزمودنی‌ها است که در مورد چنین گروه‌هایی به ناپدید شدن اثر چارچوب منتهی می‌گردد.

پژوهشگران نامبرده در مطالعات بعدی خویش، همان سناریو را در مورد گروه‌های (به زعم خویش) مشابه به کار گرفتند: گروه «بیماران هموفیلی» را با «معتادان»، و گروه «آمریکایی‌ها» را با «ایرانی‌ها» در تقابل قرار دادند. مؤلفین نامبرده چنین گزارش کردند که در تقابل بیماران هموفیلی و معتادان، اثر چارچوب تنها در گروه نخست تظاهر می‌کند (در مورد گروه هموفیلی ۲۰ درصد شانس‌گزینه‌ی مخاطره‌آمیز در چارچوب مثبت و ۷۱ درصد در گزینه‌ی منفی). همچنین در تقابل آمریکایی‌ها و ایرانی‌ها، اثر چارچوب تنها در گروه نخست بروز می‌یابد (برای گروه آمریکایی‌ها ۲۷ درصد در چارچوب مثبت و ۶۰ درصد در چارچوب منفی).

ونگ^۴ و همکاران (۲۰۰۱، به نقل از بلوم فیلد و همکاران، ۲۰۰۶)، آزمودنی‌ها را با سناریوی توصیف‌کننده‌ی تهدید به مرگ ۶ بلیون انسان در مقابل ۶ بلیون موجود ماورایی

-
1. Levin, I. P.
 2. Chapman, D.
 3. devaluated groups
 4. Wang, X. T.

آزمودند. آزمودنی‌هایی که با سناریوی انسانی پاسخ دادند، اثر چارچوب قابل توجهی (۳۶ درصد ترجیح گزینه‌ی مخاطره پذیر در چارچوب مثبت و ۶۶ درصد در چارچوب منفی ظاهر ساختند). اما در سناریوی مقابل چنین ترجیحی مشاهده نشد. پژوهشگران نامبرده این یافته‌ها را ناشی از فقدان درگیری هیجانی آزمودنی‌ها در مورد سناریوی موجودات ماورایی تعبیر کردند. برخی دیگر از پژوهشگران در همین راستا بر عواملی مانند اندازه‌ی گروه در معرض خطر و ابهام موقعیت متمرکز شده‌اند. بلوم فیلد و همکاران (۲۰۰۶)، عوامل پیش گفته را با درگیری هیجانی ترکیب کردند. آنان علیرغم تلاش در جهت سنجش مستقیم عواطف آزمودنی‌ها، به دلیل به کارگیری وضعیت غیر مبهم سناریوها، تنها در یکی از گروه‌های پژوهشی خویش، آن هم در جهت منفی به اثر چارچوب دست یافتند. همان‌گونه که مشاهده می‌گردد، ابهاماتی در مورد شرایط بروز این پدیده وجود دارد و می‌توان مطالعات موجود را به طور کلی در دو گروه طبقه بندی نمود: گروه نخست با بی‌اعتنایی نسبت به مسائل هیجانی به زمینه‌ی بروز اثر چارچوب نزدیک نشده‌اند؛ و گروه دوم به اصل تأثیر عوامل مورد نظر دست یافته‌اند، اما از تحلیل و واریسی عمیق آن بازمانده و به بیان اثر کلی و تفسیرهای سطحی اکتفا کرده‌اند. تلاش بلوم فیلد و همکاران نیز ضمن به همراه داشتن توفیقاتی در حوزه‌ی مورد بحث، بنابر دلایلی که خواهد آمد چندان موفق نبوده است.

پیش از معرفی مطالعه‌ی حاضر اشاره‌ای به دو زیرمجموعه از اثر چارچوب نیز مفید می‌نماید: اثر چارچوب اسنادی^۱ و اثر چارچوب هدف^۲. سازه‌ی نخست بر موقعیت‌هایی ناظر است که طی آن یک موضوع بر حسب یک اسناد منفرد توصیف می‌گردد و این توصیف یک یا دو شکل منطقی معادل را دربرمی‌گیرد (مکنزی^۳، ۲۰۰۴). به عنوان مثال، لوین و گانت^۴ (۱۹۸۸)، به نقل از منبع قبل) چنین یافتند که توصیف پیامد مداخلات درمانی بر حسب X درصد

1. attribute framing
 2. goal framing
 3. McKenzie, C. R. M.
 4. Gaeth, G. J.

نجات، در مقابل X-۱۰۰ درصد مرگ، منتهی به برآورد بهتری در آزمودنی‌ها از وضعیت نخست می‌شود. بنابراین، اثر چارچوب به این ترتیب ظاهر می‌شود که چارچوب‌های مثبت به پاسخ‌های مطلوب تری منتهی می‌گردد. در همین راستا راگوبیر^۱ و منون^۲ (۲۰۰۱) نشان دادند که ادراکات مخاطره پذیر بر سر نخ‌های زمینه‌ای متکی هستند و می‌توانند بر محتوا و دسترسی پذیری اطلاعات وابسته به حافظه تأثیر گذارند. آنان در تلاش‌های خویش اثر چارچوب را در ادراک خطرپذیری و رفتارهای متمایز مبتلایان به ایدز مطالعه می‌کنند.

سومین حوزه‌ی اثر چارچوب توسط لوین و همکاران (۱۹۹۸)، به نقل از مکزی، (۲۰۰۴) با عنوان اثر چارچوب هدفمند توصیف شد. در یک نمونه از تکالیف عملکردی، سؤال این است که کدام چارچوب به طور موفقیت‌آمیزی آزمودنی‌ها را به اتخاذ یک دوره از عمل ویژه سوق می‌دهد. مثلاً میروویتز^۳ و چیکن^۴ (۱۹۸۷)، به نقل از منبع قبل) نشان دادند که زنان در موقعیت تأکید بر نقش عدم مبادرت خود-آزمون‌گری به عنوان عامل کاهش احتمال یافتن تومور سرطان پستان در مراحل ابتدایی قابل درمان، نسبت به موقعیت تأکید بر افزایش شانس یافتن تومور پاسخگو تراند.

اکنون پس از مرور پیشینه‌ی اثرات چارچوب، شرح مطالعه‌ی حاضر که در حوزه‌ی نخستین آن، یعنی ریسک‌پذیری انجام شده است، ارائه می‌گردد. در این مطالعه تلاش شده تا با رفع ابعاد سوء فرهنگی و القانات سیاسی، و اتخاذ رویکردی علمی، با دستکاری متغیرهایی که به نظر می‌رسد مؤثرترین تعاملات را در ایجاد این اثر داشته باشند، به آزمون مبادرت گردد.

-
1. Ragubir, P.
 2. Menon, G.
 3. Meyrowite, B. E.
 4. Chaiken, Sh.

روش

جامعه آماری این پژوهش را دانشجویان دختر و پسر دانشگاه علوم پزشکی تهران و دانشکده فنی دانشگاه تهران تشکیل داده است. نمونه آماری مرحله اول، متشکل از ۱۹۰ نفر (از ۲۰۰ نفری که آغاز به مشارکت در پژوهش کردند) از دانشجویان دانشکده‌های بهداشت، پزشکی و پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران بودند که هریک از آنان در یکی از ۲ موقعیت پژوهشی همکاری داشتند. نمونه آماری مرحله دوم متشکل از ۳۶۱ نفر (از ۴۰۰ نفری که آغاز به مشارکت در پژوهش کردند) از دانشجویان دانشکده‌های برق و کامپیوتر، مکانیک و متالورژی دانشکده فنی دانشگاه تهران بودند که هریک از آنان در یکی از ۸ موقعیت پژوهشی همکاری کردند. از آنجا که حجم نمونه بالا بود (۵۵۱ نفر در دو مرحله)، و ضمناً اجرای پژوهش نیازمند همکاری صمیمانه‌ی آزمودنی‌ها بود، روش نمونه‌گیری دردسترس به کار گرفته شد.

ابزار پژوهش

نسخه‌ی متفاوت از سناریوی کلاسیک مرگ، زندگی، و اطمینان کاهنمن و تورسکی (۱۹۸۱) در هریک از دو موقعیت مثبت و منفی طراحی شد. نسخه‌ی اصلی این پرسشنامه (مقدمه را ببینید) واجد جنبه‌های منفی سیاسی است، لذا تلاش شد تا ضمن مرتفع ساختن این ابعاد، متن دارای قابلیت ارتباط مناسبی درمورد آزمودنی‌های ایرانی باشد. بنابر این تغییرات زیر در سناریوی اصلی به انجام رسید:

موضوع سناریوی نامبرده از بیماری مسری آسیایی به وقوع زلزله تغییر داده شد. قربانیان متن از شهروندان امریکایی به شهروندان ایرانی، افغانی و امریکایی تغییر یافت. گروه امریکایی به ۲ طبقه‌ی نظامی و شهروند متمایز شدند تا خدشه‌ای در نتایج ایجاد نگردد. شاید نیازی به بیان این نکته نباشد که ایران، افغانستان و امریکا هر سه زلزله خیز بوده و هر یک جایگاه خاصی را در ذهن دانشجوی ایرانی دارا می‌باشند. در حالت ابهام و اندازه‌ی گروه سناریویی تغییری داده

نشد (متن کامل نسخه‌های مورد نظر در ضمیمه آمده است. همچنین موقعیت‌های مثبت و منفی نیز در مقدمه ذکر شده‌اند). یک پرسشنامه‌ی کوتاه نیز جهت بررسی درگیری هیجانی آزمودنی‌ها با متن، و برآورد اهمیت سرنوشت قربانیان زلزله برای آنان (آزمودنی‌ها)، در قالب مقیاس لیکرت به این ترتیب ارائه شد: «سرنوشت افرادی که در معرض این زلزله هستند چقدر برایتان مهم است؟» دامنه‌ی تغییرات مقیاس از ۱ (اصلاً اهمیتی ندارد) تا ۷ (فوق العاده مهم است) گسترده بود. همچنین جهت دسترسی بهتر و صریح‌تر به احساسات و ادراکات آزمودنی‌ها که شاید با سؤالات بسته- پاسخ فوق امکان سنجش مناسب آن مهیا نبود، در پایان نیز ۵ سؤال باز- پاسخ ارائه شد مانند اینکه، «فکر می‌کنید قربانیان این زلزله چه کسانی باشند؟».

طرح پژوهش

روند اجرای تحقیق به این ترتیب بود که در هریک از ۸ موقعیت پژوهشی، نخست سناریوها ارائه، و از آزمودنی‌ها خواسته می‌شد تا خود را کاملاً در موقعیت فرضی پیشنهادی تجسم کنند. سپس پرسش‌ها مطرح شده و آزمودنی‌ها به پاسخ می‌پرداختند، لذا می‌توان طرح را واجد ابعاد آزمایشی دانست. از سوی دیگر، چون سازه‌های مورد بررسی با عوامل زیربنایی شخصیتی ارتباط دارند، طرح حاضر در چارچوب طرح‌های پس رویدادی جای می‌گیرد.

یافته‌ها

مقایسه‌ی متغیر ترجیح گزینه‌های مخاطره‌گریز و مخاطره‌پذیر با توجه به چارچوب‌های مثبت و منفی بین گروه‌های مختلف پژوهشی (یزد، کابل، شهرک نظامی نشین پنتاگون، و کالیفرنیا) متفاوت بوده است. همان‌گونه که در جدول ۱ مشاهده می‌گردد در سناریوی یزد، در موقعیت مثبت، گزینه‌ی مخاطره‌گریز در ۲۷ مورد (از ۴۷) ترجیح داده شده است. یعنی در سناریوی یزد و در موقعیت مثبت، ۵۷/۴ درصد به گزینه‌ی مخاطره‌گریز و ۴۲/۶ درصد به گزینه‌ی مخاطره‌پذیر رأی داده شده است، و در موقعیت منفی، ۳۵/۴ درصد گزینه‌ی مخاطره

تأثیر چارچوب بر انتخاب: تعامل بین درگیری هیجانی و خطرپذیری

پذیر و ۶۴/۶ درصد گزینه‌ی مخاطره‌گریز را برگزیده‌اند. چنین ترجیحی در گروه‌های دیگر به چشم نمی‌خورد. آزمون (جدول ۲)، سطح معناداری این تفاوت‌ها را مورد بررسی قرار داده است. همان‌طور که در جدول نمایان است، یک اثر معنادار چارچوب در مورد سناریوی یزد به چشم می‌خورد ($p < ۰/۰۵$ و $\lambda^2 = ۴/۶۴$). در گروه‌های دیگر تفاوت معناداری به چشم نمی‌خورد. جالب اینکه هنگامی که ارتباط ترجیح‌گزینه‌ای، صرف‌نظر از تفاوت میان گروه‌های پیش‌گفته، و صرفاً به همراه متغیر موقعیتی (مثبت یا منفی) وارد معادله‌ی آزمون شد، باز هم تفاوت به سطح معناداری رسید، البته در جهت معکوس (جداول ۳ و ۴). همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود، در هر دو موقعیت مثبت و منفی، تعداد گزینه‌های مخاطره‌پذیر بیش از گزینه‌های مخاطره‌گریز بوده است.

جدول ۱. مقایسه‌ی توزیع گزینه‌های مخاطره‌پذیر و مخاطره‌گریز در گروه‌های پژوهشی ۸ گانه

مجموع	چارچوب		ملیت	
	منفی	مثبت	گزینه	
۴۴	۱۷ (۳۵/۴)	۲۷ (۵۷/۴)	الف	یزد
۵۱	۳۱ (۶۴/۶)	۲۰ (۴۲/۶)	ب	
۹۵	۴۸	۴۷	کل	
۳۵	۱۳ (۳۲/۵)	۲۲ (۴۸/۹)	الف	کابل
۵۰	۲۷ (۶۷/۵)	۲۳ (۵۱/۱)	ب	
۸۵	۴۰	۴۵	کل	
۳۱	۱۰ (۲۴/۴)	۲۱ (۴۲/۰)	الف	شهرک نظامی
۶۰	۳۱ (۷۵/۶)	۲۹ (۵۸/۰)	ب	
۹۱	۴۱	۵۰	کل	
۳۱	۱۳ (۲۷/۷)	۱۸ (۴۱/۹)	الف	کالیفرنیا
۵۹	۳۴ (۷۲/۳)	۲۵ (۵۸/۱)	ب	
۹۰	۴۷	۴۳	کل	

جدول ۲. سطح معناداری ارتباط متغیرهای گزینه، چارچوب، و ملیت

سطح معناداری	ارزش	ملیت	
۰/۰۲۵	۴/۶۳۵	مجذور کای پیرسون	یزد
۰/۰۹۵	۲/۳۴۸	مجذور کای پیرسون	کابل
۰/۰۶۱	۳/۱۱۰	مجذور کای پیرسون	شهرک نظامی
۰/۱۱۶	۲/۰۰۶	مجذور کای پیرسون	کالیفرنیا

جدول ۳. توزیع تعاملی متغیرهای گزینه و چارچوب

مجموع	چارچوب		گزینه
	منفی	مثبت	
۱۴۱	۵۳ (۰/۳۸٪)	۸۸ (۰/۶۲٪)	الف
۲۲۰	۱۲۳ (۰/۵۶٪)	۹۷ (۰/۴۴٪)	ب
۳۶۱	۱۷۶	۱۸۵	کل

جدول ۴. سطح معناداری ارتباط متغیرهای گزینه و چارچوب

سطح معناداری	ارزش	مجذور کای پیرسون
۰/۰۰۰	۱۱/۵۴۳	

مقایسه‌ی میانگین متغیر اهمیت سرنوشت قربانی در گروه‌های پژوهشی مختلف (یزد، کابل، شهرک نظامی نشین پنتاگون، و کالیفرنیا) نشان می‌دهد که میانگین مربوط به آزمودنی‌های گروه نخست از میانگین مربوط به سایر آزمودنی‌ها بالاتر است (۰/۰۱۶ در مقابل ۰/۰۴۶ برای کالیفرنیا؛ ۰/۰۴۲ برای شهرک نظامی نشین و ۰/۰۳۹ برای کابل). تحلیل واریانس یک طرفه جهت آزمون معناداری تفاوت‌های مورد نظر به عمل آمد و طی آن اهمیت سرنوشت به عنوان متغیر وابسته و ملیت قربانی به عنوان متغیر مستقل وارد معادله شدند. این تحلیل اثر ملیت را آشکار ساخت ($p < ۰/۰۰۸$ و $F(۳, ۳۶۱) = ۴/۰۰۱$). آزمون تعقیبی توکی (جدول ۵)، وجود تفاوت معنادار میان میانگین گروه‌های یزد و کابل؛ یزد و شهرک نظامی نشین پنتاگون؛ و یزد و کالیفرنیا را نشان می‌دهد. همانطور که در جدول نمایان است تفاوت بین میانگین گروه‌های دیگر به سطح معناداری نمی‌رسد.

جدول ۵. سطح معناداری تفاوت میانگین گروه های پژوهشی

سطح معناداری	تفاوت میانگین	ملیت (J)	ملیت (I)
۰/۰۲۹	۰/۵۹	کابل	توکی HSD یزد
۰/۰۱۶	۰/۶۲	شهرک نظامی پنتاگون	
۰/۰۴۵	۰/۵۴	کالیفرنیا	
۰/۰۲۹	- ۰/۵۹	یزد	کابل
۰/۹۹۹	۰/۰۳۳	شهرک نظامی پنتاگون	
۰/۹۹۷	- ۰/۴۲	کالیفرنیا	
۰/۰۱۶	- ۰/۶۲	یزد	شهرک نظامی پنتاگون
۰/۹۹۹	- ۰/۳۳۰	کابل	
۰/۹۸۴	- ۰/۰۷۶	کالیفرنیا	
۰/۰۴۵	- ۰/۵۴	یزد	کالیفرنیا
۰/۹۹۷	۰/۰۴۲	کابل	
۰/۹۸۴	- ۰/۰۷۶	شهرک نظامی پنتاگون	

بحث و نتیجه گیری

در این پژوهش تلاش شد تا ضمن مطالعه‌ی اثر چارچوب برای نخستین بار در ایران، شرایط بروز آن به نحوی دقیق تر از پیش واریسی گردد. اثر چارچوب در مطالعات مختلف پدیده‌ی باثباتی نبوده و حدود دو دهه است که پژوهشگران در پی شناسایی عوامل سبب ساز پدیدآیی آن می‌باشند. مطالعات پیشین اندازه‌ی گروه، همگنی گروه آزمودنی، ابهام موقعیت و بالاخره درگیری هیجانی آزمودنی با قربانی را به عنوان مهمترین عوامل شناسایی کرده بودند. اما این عوامل در پژوهش‌های مختلف، به استثنای مطالعه‌ی بلوم فیلد مستقیماً مورد دستکاری پژوهشی واقع نشده بود. در پژوهش حاضر، از ابتدا چیدمان و دستکاری متغیرها به گونه‌ای انجام شد که زمینه‌ی نزدیک شدن هرچه بیشتر به پاسخ پرسش‌های موجود میسر گردد. تغییرات ایجاد شده در مواد آزمون، گروه بندی‌های پژوهشی، و نحوه‌ی انتخاب آزمودنی‌ها به گونه‌ای بوده است که شرایط فوق ملحوظ داشته شوند.

نتیجه‌ی حاصل از انجام مرحله‌ی اول آزمون که نسخه‌ی اول سناریوی آزمایشی (ضمیمه را ببینید) را به کار گرفت، دستیابی به ۷۳ درصد مخاطره‌گریزی در موقعیت مثبت و ۶۸ درصد مخاطره‌پذیری در موقعیت منفی بود. این یافته گرچه در موافقت کامل با پیش‌بینی اثر چارچوب بود و نشان می‌داد که این نسخه‌ی سناریو توانسته با آزمودنی‌های ایرانی ارتباط برقرار کند، اما به دلیل فقدان شرایط مقایسه‌ای، نیاز به پژوهش‌هایی از این دست را برجسته می‌ساخت. این مهم به مرحله‌ی دوم پژوهش احاله گردید.

در مرحله‌ی دوم، مقایسه‌ی میان گروه‌های مختلف نشان داد که دستکاری‌های انجام شده در متغیرها موفقیت‌آمیز بوده است، زیرا همان‌گونه که جدول ۲ نشان می‌دهد، ترجیح‌گزینه‌ی مخاطره‌گریز در چارچوب مثبت گروه اول (یزد)، تفاوت معناداری ($p < 0/01$) با گروه‌های ۲، ۳، و ۴ نشان داده است. یعنی در آزمودنی‌هایی که با سناریوی یزد آزمون شده‌اند، درگیری هیجانی نسبت به سرنوشت قربانیان تصویر شده در متن، ایجاد شده، و نتیجه‌ی آن نیز بر نحوه‌ی ترجیح آنان تأثیر گذارده است. به نظر می‌رسد که درگیری هیجانی مورد نظر در گروه‌هایی وجود نداشته که حاصل آن نیز عدم بروز اثر چارچوب می‌باشد. این یافته در تطابق با یافته‌ی ونگ، و نتایج لوین و چپمن می‌باشد. گرچه دو پژوهشگر اخیر با تمسک به تعبیر «گروه‌های ارزش‌زدایی شده» نتوانستند به تحلیل عمیق موضوع پردازند. امتیاز پژوهش حاضر این است که با وارد کردن متغیر «اهمیت سرنوشت قربانی برای آزمودنی»، توان محک زدن این استنباط را نیز داشته است. با مراجعه به جدول ۵ مشاهده می‌گردد که بین میانگین سازه‌ی اخیر در گروه‌های ۴ گانه‌ی یزد، کابل، شهرک نظامی نشین پنتاگون، و کالیفرنیا تفاوت معناداری وجود دارد، و این تأییدی است بر یافته‌ی فوق. بلوم فیلد و همکاران نیز در تلاش خویش سازه‌های فوق‌الذکر را سنجش کرده‌اند اما، همانطور که پیشتر بدان اشاره شد، نه تنها به نتایج اقلان کننده‌ای دست نیافته‌اند بلکه، در یکی از گروه‌ها ارتباط معنادار معکوس مشاهده کرده‌اند. آنان در تلاش برای تبیین یافته‌های خود به سازه‌ی میان-وابستگی وزن اضافی داده‌اند. به عبارت

دیگر، بین سازه‌ی اخیر و مخاطره‌پذیری بالای آزمودنی‌ها ارتباط برقرار نموده، و بدین گونه عدم دستیابی به پدیده‌ی مورد جستجوی خویش را تبیین کرده‌اند.

اگرچه متغیر میان-وابستگی در جای خویش سازه‌ی تأثیرگذاری است، اما بنابر اطلاعاتی که از پاسخ‌های داده شده‌ی آزمودنی‌ها به پرسش‌های باز-پاسخ به دست آمده، به نظر می‌رسد که به نحو دقیق‌تری نیز می‌توان به تبیین موضوع مورد بحث پرداخت. اطلاعات به دست آمده از گروه‌های مختلف (غیر از گروه یزد) نشان می‌دهد که وقتی قربانی از ملیت دیگری باشد، آزمودنی از منظر متفاوتی به مسأله می‌نگرد، و این شاید حاکی از احساس درگیری کمتر در سرنوشت وی باشد. مثلاً بسیاری از آزمودنی‌های این تحقیق اظهار داشته بودند که «برای بازماندگان سانحه بسیار تلخ است که بمانند و جای خالی دیگران را ببینند، لذا یا همه بمانند یا هیچکس» و در پی آن گزینه‌ی مخاطره‌پذیر را برگزیده بودند. بنابراین، تمایز ملیتی برای آنان ابعاد عاطفی متمایز و متفاوتی را برجسته ساخته بود. نگاهی به جداول آماری نیز نشان می‌دهد که گروه‌های مختلف (غیر از یزد)، در هر دو موقعیت مثبت و منفی، مخاطره‌پذیری بالایی را آشکار کرده‌اند. بنابراین عدم توفیق مطالعه‌ی بلوم فیلد را نه در تأثیر سازه‌ی میان-وابستگی بلکه در به کارگیری موقعیت غیر مبهم می‌توان جست. پژوهشگران نامبرده، خود در جای دیگر اشاره‌ای به این موضوع داشته‌اند. مندل^۱ (۲۰۰۱)، به نقل از بلوم فیلد و همکاران، (۲۰۰۶) تصریح کرده است که اتخاذ رویکرد غیر مبهم می‌تواند شرایط رخداد اثر چارچوب را مخدوش سازد. بنابر آنچه آمد این مطالعه توانسته است برخی ابهامات را در مسیر شناسایی پدیده‌ی اثر چارچوب مرتفع سازد. در عین حال بدیهی است که هنوز تحقیقات بسیاری لازم است تا بتوان به نتایج قطعی نایل شد.

1. Mandel, D.

ضمیمه

نسخه‌ی اول: وزارت کشور در نظر دارد به منظور کاهش مرگ و میر ناشی از زلزله یکی از دو طرح معماری زیر (الف / ب) را در یکی از روستاهای اطراف یزد (تعداد سکنه‌ی روستا ۶۰۰ نفر می‌باشد) اجرا کند.

نسخه‌ی دوم: وزارت کشور افغانستان در نظر دارد به منظور کاهش مرگ و میر ناشی از زلزله یکی از دو طرح معماری زیر (الف / ب) را در یکی از روستاهای اطراف کابل (تعداد سکنه‌ی روستا ۶۰۰ نفر می‌باشد) اجرا کند.

نسخه‌ی سوم: وزارت کشور ایالت متحده در نظر دارد به منظور کاهش مرگ و میر ناشی از زلزله یکی از دو طرح معماری زیر (الف / ب) را در یک شهرک نظامی نشین پنتاگون (تعداد سکنه‌ی شهرک ۶۰۰ نفر می‌باشد) اجرا کند.

نسخه‌ی چهارم: وزارت کشور ایالت متحده در نظر دارد به منظور کاهش مرگ و میر ناشی از زلزله یکی از دو طرح معماری زیر (الف / ب) را در حومه‌ی کالیفرنیا (تعداد سکنه‌ی منطقه ۶۰۰ نفر می‌باشد) اجرا کند.

منابع فارسی

ارونسون، الیوت. (۱۳۸۲). *روان‌شناسی اجتماعی*. ترجمه حسین شکرکن. چاپ اول از ویراست هشتم. تهران: رشد.

ایروانی، محمود و باقریان، فاطمه. (۱۳۸۳). *شناخت اجتماعی (روان‌شناسی اجتماعی)*. چاپ اول. تهران: ساوالان.

کاندا، زیوا. (۱۳۸۴). *شناخت اجتماعی: چگونه خود، دیگران و جهان را بهتر درک کنیم*. ترجمه حسین کویانی. چاپ اول. تهران: پژوهشکده علوم شناختی.

منابع انگلیسی

- Baron, A. R. & Byrne, D. (1994). Social Psychology, Understanding Human Interaction. 7th edition. USA: Allyn & Bacon.
- Bloomfield, A. N. , Josh, A. Sager, Daniel, M. Bratels & Douglas, L. Medin (2006). Caring about Framing Effects. *Mind & Society*, 5: 123- 138.
- McKenzie, C. R. M. (2004). Framing Effects Inference Tasks- and Why they are Normatively Defensible. *Memory & Cognition*, 32 (6), 874- 885.
- Ragubir, P. & Manon, B. (2001). *Marketing Letters.*, 12: 2, 145- 155.

